

گزارش آکسیون اعتراضی در برابر سفارت لیبی و ایران 5 مارس بروکسل – بلژیک

الشعب یرید اسقاط النظام من لیبیا الی ایران

از ساعت 16 روز شنبه 5 مارس به دعوت کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران – بلژیک به همراه رفقا و دوستان عرب و بلژیکی خود و بخشی از ایرانیان آزادی خواه ساکن بلژیک در برابر سفارت لیبی تجمع کردیم. فعالین در همکاری بسیار صمیمانه ای مشغول



بستن بنرهای سرخ، برافراشتن پرچم های مختلف مثل پرچم مبارزات مردم لیبی، پرچم خلق تحت ستم ملی بربر، کردستان و ... بودند. از لحظات اولیه ی تجمع ما، مردی لیبیایی با تعدادی پرچم و بنر عربی به جمع پیوست. وی با ریش بلند و دشداشه و تیپ خاصش باعث شده بود که همه با این پیش زمینه ی فکری که او اسلامی است با احتیاط با او برخورد کنند او که فقط عربی صحبت می کرد با همراهی پسر کوچک 8-9 ساله اش (و در واقع مترجمش) در جمع ما حاضر شده بود و تا آخر

ین لحظه در کنارمان ماند و ما فهمیدیم که او از مردم برانگیخته لیبی است که واقعاً خود را در کنار مبارزات ما می بیند و با دقت و حوصله همه شعارها را تکرار می کند. وی به شبکه تلویزیونی حاضر در محل گفت: "وقتی رویدادهای مصر و تونس اتفاق افتاد، من تازه فهمیدم که روحانیون و کل رژیم ایران تا چه حد دروغ گو و سرکوب گر است. اکنون مبارزه مردم ایران برای من معنی دیگری دارد و خوشحالم که در کنار شما در برابر سفارت لیبی هستم!" وی، پسرش و یک لیبیایی های دیگر تا لحظه آخر در برابر سفارت های ایران و لیبی فعال بودند.



با وجود شعارهای زیبا و گویایی در دست شرکت کنندگان اما شعار محوری ما در برابر سفارت لیبی "الشعب یرید اسقاط انظام" بود که دائماً هم تکرار می شد و هم در شکل های مختلف در بین جمعیت دیده می شد. شعارهایی در دفاع از حقوق زنان و مبارزات زنان به زبان های مختلف و شعارهایی در دفاع از مبارزات مردم ایران نیز سر داده شد. چند دختر جوان عرب و دوستان دانشجوی آن ها از ملیت های مختلف که در روزهای گذشته با آن ها آشنا شده بودیم ضمن کمک به ما در زمینه ی ارتباطات رسانه ای مثل فیس بوک، ایمیل و ترجمه در خواندن بیانیه و متن پیشنهادی ما در برابر سفارت لیبی نیز همراه شدند. برخی از آن ها شعار "الشعب یرید اسقاط انظام" را بصورت قطعه قطعه در دست داشتند و جلوه ی ویژه ای به صف معترضین داده بودند.



شعارهای ما عمدتاً توسط یک رفیق زن ایرانی و دو رفیق عرب داده شد و جمعیت با قدرت آن ها را تکرار می کرد: "الشعب یرید اسقاط النظام من لیبیا الی ایران" – "قذافی ارحل، خامنه ای ارحل" – "مرگ بر قذافی، مرگ بر خامنه ای" – "قذافی گم شو، خامنه ای گم شو" – "دیکتاتور نابود باد، دیکتاتوری نابود باد" – "زنده باد همبستگی بین المللی" - و چند شعار دیگر به زبان فرانسه و عربی.



در انتهای آکسیون در برابر سفارت لیبی، قطعه ای از طرف رفقا به فارسی و فرانسه قرائت شد مبنی بر اینکه "امروز و در برابر سفارت لیبی ایستاده ایم تا فریاد زنی: "مردم لیبی متحدانه دیکتاتور را بیرون کنید. مردم لیبی متحدانه تمام دستگاه ستم و استثمار را برچیده سازید. مردم لیبی نو را بجای کهنه بنشانید. چشم های مردم دنیا به شما دوخته شده است. ضجه های قدرت های اروپایی و آمریکا را به هیچ بگیرد و بدانید که هیچ دیکتاتوری در دنیا بدون همدستی با دولت های اروپایی و آمریکایی سرپا نخواهد ماند. حرف های اوبامای یانکی را به زیاله دان تاریخ باید انداخت. همبستگی ما را بر علیه نظام دیکتاتوری بشنوید. الشعب یرید اسقاط انظام" ما از اینجا به مقابل سفارت یک نظام دیکتاتوری دیگر خواهیم رفت.



بیانیه سازمان زنان 8 مارس در بلژیک به زبان های فرانسه، فارسی و هلندی بین مردم تقسیم شد و حضار را به برنامه 3 شنبه شب این سازمان در بروکسل در همکاری با دیگر سازمان های مترقی زنان دعوت کردیم.

با همراهی جمعیت حاضر از سفارت لیبی به سمت سفارت ایران رفتیم. فاصله بین این دو محل چیزی حدود 700 متر با پای پیاده بود و ما توانستیم علیرغم عدم توافق پلیس، با سردادن شعار و شور و شوق به سمت سفارت ایران برویم. در برابر سفارت که قرار گرفتیم خشم فروخورده مردم ما با آتش خشم زبانه کشیده مردم لیبی و مبارزات ما با مبارزات مردم عرب در هم سرنوشتی مان بر علیه دیکتاتورها و نظام های سلطه و سرکوب درهم تنیده شد. فریادهای مان در برابر سفارت ایران با لهجه های مختلف به گوش می رسیدند. عرب زبان ها تلاش می کردند به فارسی شعار دهند، فارسی زبان ها به عربی، هر دو به فرانسه و بلژیکی ها نیز همراهی می کردند، دیدنی بود و وقتی رفقای عرب زبان با لهجه خاصی شعار "مرگ بر خامنه ای!" را پشت بلندگو می دادند ایرانی ها با لبخند و انرژی بیشتری همراهی می کردند و احتمالاً لهجه فارسی ما نیز همین اندازه برانگیزاننده

بود. شعار دیگر "مبارک، بن علی، نوبت سیدعلی!" بود که ما فارسی زبان ها به راحتی و به سرعت تکرار می کردیم و رفقای عرب زبان به علت لهجه عربی با مکت و تکیه آن را تکرار می کردند و ما نمی توانستیم یک ریتم پیدا کنیم و ... که شیرین و تجربه ی اول ما در این همراهی بود. نیروهای مبارز نسل قبل دوشادوش جوانان ایرانی و عرب و بلژیکی و در اینجا دو جوان ایتالیایی شعار می دادند، بحث می کردند و مبارزه را متنوع تر می کردند. یکی از پسرهای ایتالیایی می گفت: جمعیت ایران که 60 درصد جوان است ولی چرا بیشتر جمعیت ایرانی حاضر از نسل پیشین هستند؟ این به خاطر ناسیونالیسم جوانان ایرانی است؟ او که خودش تحت تأثیر دو دختر همکلاسیش که ایرانی و تونسلی بودند آمده بود بسیار با حوصله و دقت توضیحات ما را دنبال می کرد. دو دختر عرب که با حجاب و ساکت گوشه ای ایستاده بودند بحث ها را دنبال می کردند و سعی می کردند شعارها را به فارسی تکرار کنند.

احساساتمان متفاوت بود. ظاهراً کسی احساس تنهایی نمی کرد. انگار در خیابان های ایران می دویدیم، همزمان در آلبی می جنگیدیم، در میدان تحریر بودیم، در تونس مبارزه می کردیم، اما در بلژیک بودیم. تمام این احساسات مشترک ما را بر آن داشت تا شعارهای خود را بلندتر از پیش تکرار کنیم.

چند سخنرانی بسیار کوتاه هم از جانب فعالین سیاسی بلژیکی و گرد ایراد شد که همگی بر ضرورت اتحاد مبارزاتی بر علیه نظام های سرکوب و استبداد تأکید می کردند. طرح مسأله ملی گرد، همبستگی طبقاتی مردم ستمدیده و طبقه کارگر، درخواست کمک رسانی به کارگران عرب، نگاه به افق و آلترناتیو رهایی بخش در خاورمیانه و شمال آفریقا و تأکید بر درس های مبارزاتی مهم کشورهای عرب محور این پیام ها بود.

در انتهای برنامه رفقای ایرانی و عرب ما قطعه زیر را خواندند: "در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران، حکومت تئوکراتیک و منزوی آمده ایم. باز هم آمده ایم با مشت های گره کرده تا به نمایندگان و خدمتگزاران رژیم دیکتاتوری بگوییم؛ ما در حمایت از مبارزات مردم ایران، در حمایت از فداکاری مردم در خیابان های و میادین، در حقانیت خون های ریخته شده بر کف خیابان ها، اینجاییم و باز هم خواهیم آمد. می خواهیم همراه با ایرانیان بلژیک، همراهان عرب و بلژیکی و ... خود بر سر تان فریاد زنیم که مبارزه ما ادامه دارد و تا سرنوشتی کامل نظام سلطه و سرکوب ادامه دارد. نه کوتاه می آییم، نه می بخشیم و نه سازش می کنیم. فریاد می زنیم "می کشم می کشم آنکه برادرم کشت، می کشم می کشم آنکه که خواهرم کشت". همراه با مبارزین عرب زبان می گوییم: "مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی تو دشمن مردمی، مرگ بر این رژیم زن ستیز". به دنبال ماه ها مبارزه مردم در خیابان ها و ریخته شدن خون بهترین های این سرزمین در طول حیات 32 ساله تان، امروز مردم کشورهای عرب بدون توهم به شعارها و تبلیغات تان، نه تنها دیکتاتورهای وابسته شان را سرنگون کردند، نه تنها خیابان ها و میادین را به چنگ آوردند، نه تنها نهادهای واقعی مردمی را بنا کردند، نه تنها زن و مرد دوش به دوش هم فریاد جدایی دین از دولت را سردادند و به اجرا گذاشتند که به حکومت اسلامی تان تف انداختند و اشک شما را درآوردند. با خروش مردم در 25 بهمن، 1 اسفند و بزودی 8 مارس و روزهای مبارزاتی دیگر زانوان تان سست خواهد شد و فهمیده اید که فروخواهید ریخت. فهمیده اید که مردم به این آگاهی رسیده اند که "سرنوشت جمهوری اسلامی در خیابان ها تعیین خواهد شد". ما نیز می دانیم که باید هشیار باشیم. از سازشکاری و دورزدن مردم هشیار باشیم. قطعاً فروریختن رژیم تئوکراتیک ایران تمام ستمدیدگان جهان را امیدوار می کند. ... بکشید و بزیند مبارزان را اما امروز در تمام خاورمیانه از مراکش تا آلبی و مصر و تونس و بحرین و یمن و ... تا کردستان و ترکیه و عراق و تا ایران مبارزه می کنیم.....

این آکسیون و همبستگی مبارزاتی مردم به ما نشان داد که معیارهای اتحاد ما با همدیگر فراتر از نوشته ها و قرارداد هاست و در مبارزه ما در خیابان ها نیز تبارز خواهد یافت. ما در پایان آکسیون همه ی حضار را به گروه فیس بوکی مان دعوت کردیم تا این حرکت شروعی برای حرکات انترناسیونالیستی آینده ی ما باشد و فضایی مجازی برای ارتباط جوانان خاورمیانه و تبارز بیرونی این آغاز این بود. در پایان دست در دست هم حلقه زدیم و شعارهایی را به عربی، فارسی و فرانسه تکرار کردیم و زنده باد همبستگی بین المللی را فریاد زدیم.

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران – بلژیک

با تشکر از 666 بابت ارسال تصاویر. برای دیدن سایر تصاویر 666 از این آکسیون از وبلاگ زیر دیدن کنید.

<http://committeebe.blogspot.com>